

توسعه و حقوق شهروندی زنان

الهه کولایی*

از آنجا که تجارب بسیاری از کشورهای در حال توسعه این واقعیت را آشکار کرده که در مسیر اجرای برنامه‌های متعدد توسعه در قرن بیستم، زنان به قربانیان اصلی آن تبدیل شدند، ابعاد انسانی‌تری در مباحث توسعه همه‌جانبه، توسعه انسانی و نیز توسعه پایدار مورد تأکید قرار گرفته است. بر این اساس، در روند اجرای برنامه‌های توسعه، مفهوم شهروندی و حقوق برآمده از آن رویکردی انسانی‌تر را هدف قرار داده است. از این دیدگاه، تمرکز بر حقوق شهروندی فرصت‌های مناسبی برای زنان ایجاد می‌کند که می‌توانند از آنها در جهت رفع آثار محرومیت‌های تاریخی خود، و به‌ویژه راه یافتن به عرصه‌های تصمیم‌گیری، بهره‌گیرند. بر این مبنای، موضوع برابری جنسیتی با حقوق شهروندی و ملاحظات جدید آن پیوند یافته است.

به این ترتیب، در امتداد طرح و گسترش موضوع جنسیت در مباحث مربوط به راه‌ها و شیوه‌های گوناگون دفاع از حقوق زنان، نگاه جنسیتی نیز وارد موضوع شهروندی شده است. جنسیت به یکی از مهم‌ترین ابعاد مسائل توسعه در جهان تبدیل شده است. از اواخر قرن بیستم، موضوع جنسیت و

شهروندی را تعلق به جامعه تعریف کرده‌اند که در پی آن حقوق و تکالیفی برای انسان‌ها شکل می‌گیرد. در جهانی که روز به روز در حال کوچک‌تر شدن و فشرده‌تر شدن است، این رابطه هم در برابر جامعه داخلی و هم در برابر جامعه بین‌المللی در حال شکل‌گیری است. بر این اساس، مفهوم شهروندی از یکسو نیازها و از سوی دیگر منافع همه افراد را در بر می‌گیرد. از این مفهوم در دوره‌های مختلف و حتی محیط‌های مختلف برداشت‌های متفاوتی ارائه شده است. گاه نیز داشتن توانایی تأثیرگذاری بر محیط داخلی و بین‌المللی تعریف شده است. در واقع، شهروندی رابطه‌ای چندسویه میان دولت، جامعه و مردم را تعریف می‌کند که در آن مردم تابع دولت نیستند، بلکه دولت‌ها تابعی از شهروندان‌اند. در نظر برخی هم این مفهوم ظرفیتی فراهم می‌کند تا گروه‌ها و افراد دیده‌نشده و دچار محرومیت‌های طبقاتی، جنسی و نژادی بتوانند در جهت تأمین نیازها و منافع خود گام‌های مؤثری بردارند. از دیدگاه بسیاری از برنامه‌ریزان توسعه، حقوق شهروندی می‌تواند ظرفیت‌های مناسبی در مسیر تحقق اهداف توسعه انسانی ارائه کند.